سفر شهباز شریف به تهران

اسلام‌آباد در حال تغییر معادلات منطقه‌ای است؟

میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر مسائل بین الملل

تهران از دیروز میزبان شهباز شریف است. نخست‌وزیر پاکستان برای انجام سفر دوره‌ای یک‌هفته‌ای به چند کشور منطقه، از سه روز قبل اسلام آباد را ترک کرده است. ترکیه اولین مقصد این سفرها تعیین شده و ایران ایستگاه دوم آن محسوب می‌شود. به‌نظر می‌رسد که این سفر با دو انگیزه مهم انجام گرفته است؛ دروهله اول جلب حمایت کشورهای منطقه از پاکستان در برابر هند؛ آن هم پس از جنگ ۴ روزه‌ای که اخیرا میان دو کشور به وقوع پیوست و البته اثرات آن همچنان ادامه دارد و دوم گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی پاکستان با منطقه و درواقع آن چه دولت اسلام آباد از آن به‌عنوان «ارتقای صلح و ثبات در منطقه، ارتقای همکاری‌های اقتصادی، ایجاد بعد جدید در روابط دیپلماتیک پاکستان» یاد کرده است. البته در مورد ایران این سفر می‌تواند پاسخی به سفر مهم رئیس جمهور شهید، آیت‌الله رئیسی باشد که اردیبهشت‌ماه پارسال و به فاصله کمی قبل از شهادت ایشان انجام گرفت. در آن سفر توافق‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای میان دو کشور به امضا رسید که اکنون پس از یک سال و با حضور شریف در تهران می‌توان به برآورد دقیق‌تری از دستاوردهای آن سفر و جنبه‌های اجرایی آنها دست یافت. با این ملاحظات سفر شهباز شریف به تهران در شرایط زمانی فعلی را از چند جنبه می‌توان مورد ارزیابی قرارداد.

پاکستان و ملاحظات سیاسی جدید

الف) پیامدهای جنگ با پاکستان؛ همان‌طور که در بیانیه دولت پاکستان در ارتباط با سفر دوره‌ای نخست‌وزیر پاکستان منتشر شده است، «ایجاد بعد جدید در روابط دیپلماتیک پاکستان» یکی از اهداف اصلی این سفر را تشکیل می‌دهد. اگر بخواهیم به واکاوی منظور اسلام‌آباد از این هدف بپردازیم، باید به تحولات اخیر در پاکستان و به‌خصوص جنگ ۴ روزه این کشور با هند اشاره کنیم. جنگ ۴ روزه پاکستان با هند، اگرچه برای مخاطرات و آسیب‌هایی را برای این کشور به دنبال داشت، اما از برخی جهت‌ها نیز برای این کشور هشداردهنده، آگاهی‌بخش و مفید بود. اینکه کشورها در قبال این جنگ چه واکنشی از خود نشان دادند و یا از چه کسی و به چه میزان حمایت کردند، سنگ محک خوبی در اختیار اسلام‌آباد قرار داد تا نسبت به چشم‌انداز سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک خود در جهان و منطقه به ارزیابی‌های جدیدی دست پیدا کند. انتخاب ترکیه به‌عنوان اولین مقصد سفر دوره‌ای نخست‌وزیر پاکستان دقیقا بر همین اساس انجام گرفت؛ چراکه ترکیه از معدود کشورهایی بود که قاطعانه پشت‌سر پاکستان ایستاد و حمله هند به این کشور را به‌شدت محکوم کرد. این دقیقا همان کاری بود که آذربایجان نیز انجام داد و با انتخابش به‌عنوان سومین مقصد این سفر دوره‌ای قدردانی خود را دریافت کرد. این در حالی است که جهان عرب و به‌خصوص عربستان سعودی، به‌عنوان شرکای دیرینه و یاران غار پاکستان، از این آزمون به‌شدت ناکام بیرون آمدند. اما در مورد جمهوری اسلامی ایران باید گفت که به نظر می‌رسد مواضع متعادل تهران که با پیشنهاد میانجیگری میان دو کشور و سفر وزیر خارجه به اسلام‌آباد و دهلی همراه شده بود تا حد زیادی به مذاق اسلام‌آباد خوش آمده و رضایت نسبی این کشور را جلب کرده است. بااین حال آنچه درنهایت شاید بتوان گفت این است که مجموع واکنش جهان اسلام و به‌خصوص نهادهای همچون سازمان همکاری اسلامی چندان رضایت‌بخش نبوده و توقع قاطع اسلام‌آباد در اعلام حمایت قاطع از این کشور در برابر تهاجم هند را برآورده نکرد. این موضوع می‌تواند دلایل و انگیزه‌های متعددی داشته باشد، اما بدون شک یکی از آنها فاصله گرفتن پاکستان از تحولات جهان اسلام و خاورمیانه در سال‌های اخیر بوده است. پاکستان طی این سال‌ها بیشتر و یا شاید حتی تمام انرژی سیاست خارجی خود را به محیط پیرامونی یعنی هند و افغانستان معطوف کرده است. سقوط دولت سوریه و نگرانی دولت پاکستان از تبعات منفی این موضوع بر ثبات و امنیت این کشور نخستین جرقه بیدارباش برای اسلام‌آباد بود. در این شرایط تصور می‌شود که جنگ با هند و پیامدهای آن، اسلام‌آباد را متقاعد کرده است که به‌شکلی فعالانه‌تر و البته این بار با سیاست‌هایی متفاوت و احتمالا شرکایی جدید وارد میدان شود. اتخاذ رویکردهای موثرتر نسبت به جنگ غزه و مسئله فلسطین (به‌خصوص با توجه به اعلام حمایت قاطع رژیم صهیونیستی از هند)، همکاری با طیف بیشتری از جهان اسلام و به طور خاص جهان غیرعرب، اعتبار قائل شدن بیشتر به ارتباطات منطقه‌ای و توجه به تغییرات نظم بین‌المللی همگی می‌توانند بخشی از این تحولات را شکل دهند.

ب) لزوم نگاه به ایران با عینک پاکستانی؛ اما وقوع چنین تغییراتی در سیاست خارجی پاکستان از این ظرفیت برخوردار است که در ماهیت روابط اسلام‌آباد و تهران تحولات عمیقی برجای گذارد. هم‌نوایی و همکاری بیشتر با تهران در حل معضلات جهان اسلام همچون مسئله فلسطین و مسائل خاورمیانه، تغییر نگرش این کشور در حوزه‌هایی سیاسی مهمی چون یمن همچنین استفاده از ظرفیت همکاری سه‌جانبه، یا حتی ائتلاف راهبردی سه‌جانبه با مشارکت ترکیه و ایران و سرانجام بهره‌گیری از فضای همکاری مشترک با چین و ایران می‌تواند بخشی از این تغییرات باشد. با وجود این مهم‌ترین تغییر مورد انتظار در روابط با ایران و در بعد سیاسی می‌تواند این باشد که اسلام‌آباد از این پس، روابط با تهران را از زاویه‌دید خودش و با عینک خودش نگاه کند. در توضیح این مورد باید گفت که اگرچه پاکستان و ایران طی چند دهه اخیر، روابطی تقریبا پایدار و باثبات را تجربه کرده‌اند، اما هیچ‌گاه از اشتراکات و ظرفیت‌های ویژه خود برای همکاری بیشتر استفاده نکرده‌اند. دلیل عمده آن هم این بوده که اسلام‌آباد اغلب روابط با ایران را نه‌تنها در اولویت‌های اصلی خود قرار نداده است بلکه آن را در چهارچوب خواسته‌ها و علائق دیگر کشورها مانند عربستان و یا ائتلاف متحده تعریف و تنظیم کرده است. بنابراین شاید اکنون زمان مناسبی باشد تا اسلام‌آباد زاویه‌دید خود را به ایران عوض کرده و روابط با تهران را با عینک خودش ببیند.

ملاحظات مرتبط با همکاری در حوزه امنیت

تردیدی نیست که مسائل امنیتی یکی از حوزه‌های مهم و موردتوجه در سفر شهباز شریف به تهران خواهد بود. در این راستا اهمیت این موضوع را می‌توان از غیبت وزیر کشور پاکستان در سفر به ترکیه و سفر جداگانه وی به ایران برای الحاق به هیئت همراه نخست‌وزیر پاکستان، درک کرد. اما مسائل امنیتی پاکستان و جمهوری اسلامی در سه سطح قابل ارزیابی است.

۱) در سطح امنیت دوجانبه: در جریان سفر سال گذشته عاصم منیر به تهران وی از تبدیل مرزهای دو کشور به مرز صلح و دوستی سخن گفت. مقامات جمهوری اسلامی نیز در جریان همین ملاقات ابراز امیدواری کردند روزی را شاهد باشیم که مرزهای امنیتی میان دو کشور به مرزهای اقتصادی تبدیل شوند. با این حال نه‌تنها هیچ‌یک از این امیدواری‌ها تحقق نیافته است، بلکه حتی بهبودی نسبی را در شرایط امنیتی دوجانبه شاهد نبوده‌ایم. جای تردید وجود ندارد که بخش مهمی از این وضعیت، به شرایط سیاسی پاکستان و بی‌ثباتی‌های داخلی در این کشور بازمی‌گردد. هرچند جمهوری اسلامی ایران با یک نگاه هوشیارانه و مدبرانه خود را از کشمکش‌های سیاسی پاکستان دور نگه داشته است اما از ترکش‌های آن بی‌نصیب نمانده و توقع دارد تا پاکستان در این زمینه دست به اقدامات جدی بزند. در سوی دیگر اسلام‌آباد هم از افزایش تحرکات و اقدامات تروریستی به‌خصوص در بلوچستان به‌شدت نگران است. در این بین مسئله قاچاق و اقتصاد تجاری غیرقانونی هم مزید بر علت شده است تا کنترل مرزهای میان دو کشور بیش از پیش دشوار شود. واضح است که رفع این مشکلات در بستری از همکاری و مشارکت نزدیک‌تر در ترتیبات امنیتی میان دو کشور تحقق خواهد یافت. این ترتیبات امنیتی مشترک از یک دهه قبل و در قالب «موافقتنامه همکاری‌های امنیتی ایران و پاکستان» جنبه اجرایی پیدا کرده است. در همین راستا حتی کارگروهی مشترک و سلسله جلسات منظم میان مقامات امنیتی دو کشور برگزار شده است. اما با توجه به روند فعلی لازم به نظر می‌رسد این ترتیبات تقویت شوند یا اینکه اساسا ترتیبات و توافقات جدیدی که ظرفیت حل مشکلات پیچیده کنونی را داشته باشند، پایه‌ریزی شوند. حضور وزیر کشور و همچنین فرمانده ارتش پاکستان ژنرال عاصم منیر در هیئت همراه نخست‌وزیر پاکستان فرصت خوبی را در این زمینه فراهم می‌کند.

۲) در سطح امنیت منطقه‌ای: جای خالی این رویکرد در مناسبات امنیتی پاکستان و ایران طی این سال‌ها به‌خوبی احساس شده است؛ آن هم در شرایطی که هر دو کشور از برخی نگرانی‌های امنیتی مشترک در منطقه رنج می‌برند. گسترش افراط‌گرایی و تروریسم در سطح منطقه یکی از همین وجوه است که رفع آن صرفا در سایه همکاری نزدیک‌تر محقق خواهد شد. در سفر سال گذشته شهید رئیسی به پاکستان این موضوع تا حدی مورد توجه قرار گرفت، چنان‌که هر دو کشور پاکستان و ایران متعهد شدند که تلاش‌ها را در یک «جبهه متحد»، علیه گروه‌های تروریستی مستقر در افغانستان که حضورشان تهدیدی جدی علیه امنیت منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شود، افزایش دهند. اما در نهایت این همکاری‌ها نباید به حوزه‌هایی چون افغانستان محدود شود؛ چراکه به طور مثال وقایع سوریه نشان داد که چگونه رخدادهایی در فراسوی مرزهای دو کشور می‌تواند بر امنیت آنها تاثیرگذاری نشان دهد.

۳) در سطح همکاری‌های نظامی و دفاعی: جنگ ۴ روزه میان هند و پاکستان باعث شد تا اسلام‌آباد بیشتر به نقاط قوت و ضعف خود به لحاظ دفاعی و تسلیحاتی واقف شود. با توجه توانایی‌های هر دو کشور ایران و پاکستان در این حوزه، همکاری آنها می‌تواند اثرات مثبتی بر ظرفیت دفاعی هر دو کشور برجای گذارد. در عین حال استفاده از تجهیزات چینی در این جنگ تجربه گرانبهایی را در اختیار پاکستان قرار داده است که قابلیت انتقال به دیگران را دارد. در این مورد حتی می‌توان به یک مشارکت به‌جا بین میان پاکستان، ایران و چین در حوزه صنایع دفاعی اندیشید.

اقتصاد و ظرفیت‌های جدید همکاری

اگر به وسعت و جمعیت هر دو کشور پاکستان و ایران، شرایط همسایگی به لحاظ جغرافیایی و مکمل بودن اقتصاد آنها نگاه کنیم و آن را با سطح مراودات اقتصادی دو کشور مقایسه کنیم، این نکته به‌وضوح قابل درک است که این مراودات به هیچ عنوان در سطح ظرفیت‌های موجود میان آنها نیست. بر اساس آخرین ارقام ارائه‌شده سطح مبادلات اقتصادی دو کشور در سال‌های اخیر کمی بیش از دو میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که حجم عمده‌ای از همین مراودات را هم تجارت غیررسمی و درواقع قاچاق کالا در بر می‌گیرد. در سفر سال گذشته شهید رئیسی به پاکستان تفاهمنامه‌هایی به امضا رسید تا این مراودات در یک بازه زمانی ۵ ساله به سقف ۱۰ میلیارد دلار در سال افزایش پیدا کند. با وجود این به نظر نمی‌رسد که از آن زمان تاکنون تغییر قابل ملاحظه‌ایی در مراودات دو کشور ایجاد شده باشد. اما نازل بودن سطح مراودات اقتصادی از دلایل متعددی سرمنشأ می‌گیرد؛ شرایط نامناسب و امنیتی مرزها، ملاحظات پاکستان نسبت به تحریم‌های آمریکا، گسترش تجارت غیررسمی فقدان زیرساخت‌های مناسب در هر دو کشور و به‌خصوص پاکستان. در واقع همین عوامل باعث شده است تا از پتانسیل‌های موجود در هر دو کشور بهره‌گیری مناسبی انجام نشود. بحث همکاری ایران و پاکستان در حوزه انرژی نمونه بارز این شرایط است. در حالی که پاکستان با کمبود شدید منابع انرژی مواجه است و یک قرارداد بزرگ گازی با ایران به امضا رسانده است (خط لوله صلح ۲۰۱۰)، عملا این قرارداد به دلیل سیاست‌ها و ملاحظات پاکستان در قبال تحریم‌های آمریکا معطل باقی مانده و حتی ممکن است به پرداخت غرامت چند میلیارد دلاری به ایران مواجه شود. با این حال بارقه‌های امیدی نسبت به تغییر رویکرد پاکستان در ماه‌های اخیر به وجود آمده است. توافق اسلام‌آباد با احداث یک خط لوله ۸۰ کیلومتری انتقال گاز از ایران به مقصد بندر گوادر بخشی از همین چشم‌انداز روشن است. به همین ترتیب اگر پاکستان برخی ملاحظات سیاسی را بر اساس محاسبات منطقی اقتصادی کنار بگذارد، شاهد باز شدن روزنه‌های بیشتری در روند همکاری‌های اقتصادی دو کشور خواهیم بود. در کنار این‌ها، موضوع شروع فصل جدید روابط پاکستان و ترکیه هم می‌تواند از ظرفیت‌های خوبی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی میان اسلام‌آباد و تهران برخوردار باشد. در این راستا ایران می‌تواند به نقطه اتصال پاکستان و ترکیه و به‌تبع آن اروپا تبدیل شود. به لحاظ زیرساختی نیز ظرفیت‌های لازم برای این کار وجود دارد کما اینکه اتصال راه‌آهن زاهدان به کرمان، خط ریلی شبه‌قاره به ترکیه و اروپا را کامل می‌کند. در عین حال این کار می‌تواند زمینه اتصال سی پک (کریدور اقتصادی چین و پاکستان) به اروپا را فراهم کند و رقیبی جدی برای طرح کریدور عرب-مد هند باشد.

ارتش رژیم صهیونیستی می‌گوید همچنان ۴۰ هزار رزمنده و شبکه گستردهٔ تونلی در غزه وجود دارد؛ گروه‌های مقاومت غزه چگونه تاب آورده‌اند؟

جنگ یا فرسایش ابدی؟

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

«حماس» که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی ۲۰ ماه است هر روز وعده نابودی آن را می‌دهد، کماکان ده‌ها هزار نیروی آماده در اختیار دارد. طی روزهای گذشته پایگاه خبری صهیونیستی «واللا»، به نقل از ارزیابی ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرده که همچنان ۴۰ هزار نیروی مسلح از گروه‌های مختلف فلسطینی در نوار غزه حضور دارند. ارتش رژیم می‌گوید علاوه بر این نفرات، شبکه تونل‌های گسترده در شهرهای غزه و خان یونس برای استفاده از گروه‌های مقاومتی باقی مانده‌اند. گزارش نهادهای نظامی تل آویو نشان می‌دهد این گروه‌ها صدها راکت در اختیار دارند. گروه‌های مقاومتی از همین ذخایر صبح دیروز (دوشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۴، ۲۶ می ۲۰۲۵) سه فروند راکت از نوار غزه به سمت شهرک‌های صهیونیست‌نشین اطراف نوار غزه شلیک کردند؛ اقدامی که فشار قابل توجهی به دولت در جبهه داخلی وارد می‌کند، زیرا این سؤال را مطرح می‌کند که نتیجه دو سال نبرد چه بوده که حتی شلیک راکت‌ها متوقف نشده است. با توجه به قدرت مدیریتی، تسلیحاتی و انسانی غزه، موضوع تاب‌آوری گروه‌های مقاومتی این منطقه از اهمیت برخوردار بوده و نیازمند بررسی است. فشاری که آمریکا و رژیم صهیونیستی از تاب‌آوری گروه‌های مقاومتی و مردم غزه تحمل می‌کنند را می‌توان از اظهارات اخیر «رندی فایل» نماینده جمهوری‌خواه کنگره به خوبی دریافت، جایی که او مستأصل از مقاومت دوساله مردم بی‌دفاع غزه، آن‌ها را با امپراتوری‌های قدرتمند جهانی مقایسه کرده و می‌گوید: «در جنگ جهانی دوم، ما با نازی‌ها یا ژاپنی‌ها مذاکره نکردیم، بلکه دو بار از بمب اتمی استفاده کردیم تا تسلیم بی‌قید و شرط را به دست آوریم، و این همان چیزی است که باید اینجا هم اتفاق بیفتد.»

تاب‌آوری مالی گروه‌های مقاومتی غزه حین جنگ چگونه است؟

تاب‌آوری مالی گروه‌های مقاومت زیر شدیدترین ضربات و در وضعیت تعقیب آن‌ها توسط ارتش رژیم، موضوعی بسیار مهم است که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. ذخایر مالی گذشته

در جامعه‌بین‌الملل بسیاری حاضر به اختصاص کمک برای فلسطینی‌ها و مبارزات آزادی‌بخشانه آن‌ها هستند. همین فشارها باعث شده تا رژیم صهیونیستی علی‌رغم تمایل، قادر به الحاق رسمی جولان اشغالی سوریه و دو منطقه فلسطینی کرانه باختری و نوار غزه به خاک خود نباشد. صلح و عادی‌سازی روابط برخی از دولت‌ها همانند مصر و اردن با رژیم صهیونیستی نیز تحت فشارهای خاصی صورت گرفته است.

تنها در مقطع زمانی ۷ ساله بین سال ۲۰۱۴ و ۲۰۲۰، جامعه بین‌المللی ۴٫۵ میلیارد دلار به غزه کمک کرد؛ به طور میانگین سالانه بیشتر از ۶۰۰ میلیون دلار.

در میان این حامیان مالی، قطر جایگاه ویژه‌ای دارد؛ کشوری که در جهان اسلام و جهان عرب از جریان‌های اخوانی حمایت می‌کند و به همین دلیل یکی از حامیان حماس نیز محسوب می‌شود. جالب آنکه کمک‌های مالی قطر به حماس از سوی دولت نتانیاهو نیز تشویق و تحریک می‌شد. تل‌آویو بر این زعم بود که کمک‌های مالی به حماس باعث محافظه‌کار شدن این گروه و در شدنش از فضای مبارزه می‌شود.

از سوی دیگر صهیونیست‌ها به دلیل محاصره غزه مسئول وضعیت زندگی ساکنان این منطقه بودند و باید به دلیل این مسئولیت سالانه صدها میلیون دلار به غزه کمک می‌کردند. آن‌ها برای خودداری از این وضعیت، کمک مالی کشورهایی مانند قطر را تسهیل می‌کردند. با توجه به حضور حامیان مالی حماس در میان کمک‌کنندگان، آن‌ها مبالغی را به دست گروه مورد حمایتشان رساندند. بخشی از این بودجه‌ها که ذخیره شده‌اند، احتمالاً یکی از منابع حماس برای ادامه مبارزه هستند.

باید توجه داشت تمام این مبالغ به‌شکل نقد در اختیار حماس قرار نگرفته‌اند، بلکه بخش زیادی در قالب خدمات و کالا برای غزه ارسال شده‌اند؛ با این حال ارتباط میان حماس و حامیان مالی‌اش برقرار شده و آن‌ها احتمالاً مبالغ اندکی برای مبارزه کم‌هزینه خود با صهیونیست‌ها ذخیره کرده‌اند.

۲. دریافت از متحدان در خارج و انتقال تهاتری به داخل

مسیر حمایت مالی متحدان منطقه‌ای و عرب حماس از این گروه تا حد زیادی مسدود شده است، اما امروز نیز برخی راه‌ها وجود دارد. یکی از این مسیرها واریز مبالغی به حساب تجار حاضر در غزه و دریافت کالا و خدمات توسط حماس از این افراد در داخل غزه است.

۳. دریافت از متحدان در قالب کمک‌های بشردوستانه

کماکان دولت‌ها و احزاب نزدیک به حماس با اعمال فشار غیرمستقیم به رژیم صهیونیستی و وادار کردن آن به صدور اجازه انتقال کالا به غزه، از مردم و این گروه حفاظت می‌کنند.

در همین راستا می‌توان به حمایت یمن اشاره کرد که به دلیل اعمال محاصره بر غزه، محاصره دریایی و هوایی علیه صهیونیست‌ها اعلام کرده است. در این راستا یمنی‌ها به کشتی‌ها و بنادر رژیم برای اعمال محاصره دریایی و به فرودگاه بن‌گورین به‌عنوان تنها فرودگاه بین‌المللی رژیم به منظور اعمال محاصره هوایی حمله می‌کنند. شاخه‌های دیگر این سیاست، اعمال فشار سیاسی و رسانه‌ای دولت‌های منطقه بر تل‌آویو است.

۴. کمک‌های مردمی به گروه‌ها

هرچند اوضاع انسانی در غزه مناسب نیست اما با توجه به جنگ موجودیتی درگرفته، بسیاری از خانواده‌ها از اندک دارایی‌های خود برای مبارزه استفاده کرده و آن را در اختیار مبارزان قرار می‌دهند.

۵. فعالیت داوطلبانه

فعالیت در گروه‌های مقاومتی حالتی داوطلبانه دارد. این مسئله اساس فعالیت گروه‌های مبتنی بر ایدئولوژی‌های دینی و آزادی‌بخشانه است.

از سوی دیگر برخی از فلسطینی‌ها یی که در گذشته فکر می‌کردند مبارزان به تعداد کافی وجود دارند و یا اساساً تکلیفی برای مبارزه احساس نمی‌کردند، در حال حاضر ناگزیر از قرارگیری در صف مبارزه با رژیم شده‌اند.

آن‌ها بیکار و آواره شده و در صورت عدم مبارزه نیز آورده‌ای نخواهند داشت. از این رو داوطلبانه و بدون دریافت حقوق، وارد فعالیت‌های مبارزاتی شده‌اند. این دسته اگر نیز بخواهند برای درآمد فعالیت کنند، این اقدام را از طریق تقسیم‌بندی زمان خود برای فعالیت درآمدی و فعالیت مبارزاتی انجام می‌دهند.

۶. کار در ازای درآمد کم

برخی از فعالان گروه‌های مقاومتی ۲۴ ساعته و دور از خانواده در حال مبارزه هستند. این افراد برای اداره امور زندگی خود، صرفاً مبالغ اندکی دریافت می‌کنند؛ چه اینکه در بسیاری از موارد، قبیله، خاندان و خانواده این فرماندهان، در ازای فداکاری آن‌ها، تکفل خانواده این افراد را برعهده گرفته‌اند.

۷. کاهش هزینه‌ها به دلیل فروکاست حکومتی

تا زمانی که امکان اداره غزه وجود داشت، حماس این مسئولیت را برعهده گرفته بود. در حال حاضر نیز شهرداری و حتی نیروهای پلیس برای ایجاد امنیت فعالیت می‌کنند، اما به فراخور مسدودشدن مسیرهای انتقال مالی و کالا که به کاهش توان مالی حکومت حماس انجامیده، از نسبت خدمات‌رسانی کاسته شده است.

در حال حاضر اگر کمکی به غزه ارسال می‌شود، ناشی از کمک‌های بین‌المللی است و حماس مبلغی بابت آن پرداخت نمی‌کند. همچنین توزیع غذا در آشپزخانه‌ها و نانوایی‌های عمده غزه و نیز اداره بیمارستان‌ها بر عهده سازمان‌ها و گروه‌های بین‌المللی است. در وضعیت کنونی، وظایف حکومتی حماس بسیار کمتر شده و اغلب حیطه فعالیت آن بر مسائل نظامی قرار گرفته است.

تاب‌آوری تسلیحاتی گروه‌های مقاومتی غزه حین جنگ چگونه است؟

مبارزه ۱۹ ماهه با رژیم صهیونیستی نیازمند حجم عظیمی از سلاح و مهمات است اما این برای زمانی است که جنگی متقارن شکل گرفته باشد. گفته می‌شود انبار تسلیحاتی صهیونیست‌ها در طول جنگ، دست‌کم ۷ بار پر و خالی شده است. در مقابل اما مقاومت فلسطین نه‌تنها دریافتی زیادی نداشته، بلکه سلاح‌های زیادی را نیز از دست داده است. سؤال اینجاست که مقاومت چگونه نیازهای تسلیحاتی خود را در این شرایط تأمین می‌کند؟

۱. انباشت سلاح‌های قبلی

گروه‌های مسلح با توجه به پیش‌بینی درگیری گسترده با رژیم صهیونیستی، دست به انبار گسترده سلاح در داخل غزه زده‌اند. با توجه به مصرف کم و تغییر شیوه مبارزاتی، این سلاح‌ها پاسخگوی عملیات‌های مقاومت هستند.

۲. تولید و نگهداری سلاح

مقاومت با توجه به مسدود بودن مسیر برای واردات سلاح و همچنین پیش‌بینی احتمال هدف قرار گرفتن محل ذخیره تسلیحات، دست به ایجاد کارگاه‌های تولیدی زده است. این کارگاه‌ها با نیروهای ماهر خود و امکان جابه‌جایی، در هر لحظه می‌توانند دست به تولید و تعمیر سلاح بزنند.

۳. تأمین از رژیم

یکی از عمده‌ترین مسیرهای تأمین سلاح گروه‌های مقاومت غزه، ارتش رژیم است. بمباران گسترده غزه باعث شده تا تعداد زیادی بمب سنگین به شکل عمل نکرده در محل بمباران‌ها باقی بماند. مهندسان حماس با خنثی‌سازی این بمب‌ها از مواد منفجره به دست آمده برای ساخت کلاهک موشک و تله‌های انفجاری استفاده می‌کنند.

ماریا ابی حبیب و شیر فرنکل پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در گزارشی برای نیویورک‌تایمز به نقل از کارشناسان تسلیحات و اطلاعات اسرائیل و غرب نوشتند که بخش قابل توجهی از سلاح‌های حماس از «هزاران مهماتی بوده که اسرائیل بر سر غزه ریخته است.»

این رسانه به نقل از کارشناسان سلاح نوشت «تقریباً ۱۰ درصد مهمات معمولاً منفجر نمی‌شوند»، اما در مورد اسرائیل این رقم می‌تواند «تا ۱۵ درصد» هم باشد، زیرا برخی تسلیحات مورد استفاده رژیم متعلق به ده‌ها سال پیش است. به عنوان نمونه تنها یک بمب ۷۵۰ پوندی (۳۴۰ کیلوگرمی) می‌تواند در ده‌ها راکت مورد استفاده قرار گرفته و یا به چندین تله انفجاری تبدیل شود. از سوی دیگر در کمین‌ها، صهیونیست‌ها سربازان خود را با اولویت از میدان خارج می‌کنند اما این اقدام مستلزم رهاسازی سلاح توسط آنهاست؛ بسیاری از این سلاح‌ها هرچند کم، در اختیار مبارزان قرار می‌گیرد.

۴. دریافت از صحرای سینا

در طول جنگ، مواردی از انتقال سلاح با کوادکوپترهای بزرگ از صحرای سینا متعلق به مصر برای غزه مشاهده شده است.

۵. خودداری از استفاده گسترده

گروه‌های مقاومت با توجه به سیاست رژیم برای فرسایش تسلیحاتی آن‌ها، کمتر دست به استفاده از سلاح‌های خود می‌زنند. به عنوان نمونه، صهیونیست‌ها در قالب کاروان‌های زرهی چه در کرانه باختری و چه در غزه، درصدد تحریک دسته‌های مختلف مقاومت به تیراندازی به سمت خود هستند تا از این رهگذر، ذخیره مهمات گروه‌های مقاومت که اندک است، به شدت تضعیف شود.

۶. تغییر تاکتیک‌های مبارزاتی

تاکتیک‌های عملیاتی با توجه به نیازهای میدانی تغییر کرده‌اند. به عنوان مثال در حال حاضر مواد منفجره به جای ساخت کلاهک موشک و راکت برای تهیه تله‌های انفجاری استفاده می‌شوند. اگر کلاهک‌ها باید در تعداد بالا ساخته می‌شدند و به دلیل عدم دقت راکت‌ها هدر می‌رفتند، در تله‌های انفجاری که با دقت و رصد منفجر می‌شوند، همان مقدار موادی که باید در دو یه سه راکت کار گذاشته شود، با انهدام یک ساختمان چند صهیونیست را کشته و زخمی می‌کند.

۷. بهره‌گیری از آتش متحدان

بلافاصله پس از عملیات ۷ اکتبر، برای ایجاد آتش روی رژیم صهیونیستی، متحدان غزه وارد میدان شدند. در اوایل جنگ آتش کم غزه را مقاومت لبنان، عراق و یمن جبران می‌کردند و در حال حاضر این نقش صرفاً بر عهده یمن است.

تاب‌آوری نیروی انسانی گروه‌های مقاومتی غزه حین جنگ چگونه است؟

مقاومت موفق شده در طول جنگ به میزان زیادی نیروی انسانی خود را حفظ کند که این مسئله دلایلی دارد.

۱. جنگ چریکی

نیروهای مقاومت در پادگان‌ها و مواضع خاصی مستقر نیستند تا بتوان با بمباران و یا حمله آن‌ها را از بین برد. اغلب این افراد وضعیتی غیرنظامی دارند و برای اجرای عملیات دست به سلاح می‌گیرند. از این رو عمده شهدای حماس، مربوط به زمان اجرای عملیات‌هاست. با این حال در عملیات‌ها نیز این مسئله لحاظ شده که با توجه به شرایط ویژه، ضربات کمی به نیروهای خودی وارد شود.

۲. افزایش انگیزه مبارزه میان مردم

جنایت‌های رژیم در کشتار مردم، زنان و کودکان باعث شده تمایل برای مبارزه با صهیونیست‌ها افزایش یابد. بسیاری برای انتقام انگیزه و هدف دارند. از سوی دیگر موفقیت عملیات ۷ اکتبر و شهادت فرماندهان مقاومت باعث ایجاد نمادها و الگوهایی شده است که این موارد نیز نقش مؤثری در سوق یافتن جوانان برای مبارزه داشته است.

۳. جنگ بدون اقدام

هرچند عملیات‌ها و کمین‌های زیادی علیه صهیونیست‌ها در غزه اجرا شده است، اما این به معنای وجود تهدید در همه نقاط و لحظات نیست. عملیات ۷ اکتبر، راهبرد پیگیری جنگ را به رژیم تحمیل کرده و هدفش فرسودن دستگاه نظامی صهیونیست‌هاست.

استقرار نظامی صهیونیست‌ها و گردش بیهوده آن‌ها در مناطق مختلف غزه، لزوماً نیاز به حمله و کمین ندارد؛ چه اینکه در برخی موارد اجرای کمین باعث آتش‌باری دشمن در منطقه به منظور عقب کشیدن نیروهایش می‌شود که تبعاتی برای غیرنظامیان در پی دارد. همین مسئله که صهیونیست‌ها به مسیری بیهوده کشیده شده‌اند، اهداف مرتبط با فرسوده‌سازی ارتش آن‌ها را تأمین می‌کند. حتی اگر تلفاتی وجود نداشته باشد، استقرار نظامی در غزه باعث افزایش نیاز به سربازان شده است. این موضوع نیز موجب تصویب افزایش خدمت سربازان ذخیره و درگرفتن بحث در خصوص خدمت سربازی حریدی‌ها شده است.

نوبت اول
شرکت ملی نفت
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی مزایده عمومی

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شماره ۱۴۰۳/۰۰۱/ات/ت ۱
پروژه آماده سازی سطوح و رنگ‌آمیزی سکوهای میدان گازی سلمان
شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق‌الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه صرفا از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۳۶۳۱۰۰۰۰۴۷ انجام خواهد شد وکلیه آگهی‌ها و دعوت‌نامه‌ها، تغییرات، اصلاحات و... صرفا از طریق سامانه ستاد به اطلاع مناقصه‌گران رسانده می‌شود. لازم است پیشنهاددهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند و به‌صورت منظم جهت دریافت دعوت‌نامه‌ها، تغییرات و اصلاحات به سامانه ستاد مراجعه نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار: تلفن: ۰۲۱-۲۳۹۴۲۹۱۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت:
مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران - شماره شناسه ۱۹۳۶۶۸۷

مدرک تحصیلی مقطع کارشناسی ارشد مهناز تقی‌لو با نام پدر جعفر سال تولد ۵۱/۰۴/۰۳ در سال ۱۴۰۳ مفقود گردیده. لذا از یابنده تقاضا می‌شود به دانشگاه فرهنگیان نسیبه به آدرس شهرک ژاندارمری، بلوار مرزداران، زیرپل یادگار امام، کوچه نسیبه -کدپستی: ۱۹۹۸۹۶۳۳۴۱ ارسال نماید.

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی

فرهیختگان
FARHIKHTEGAN
farhikhteganonline
صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان